



6 اکتوبر 2015



داکتر سیدعبدالله کاظم

یک مقاله مهم در باره "اهمیت استراتژیک کندز"

از سقوط شهر کندز بدست طالبان امروز هشت روز می گذرد، با آنکه قوای امنیتی افغان (البته به مشوره و قسماً فعالیت نیروهای بین المللی مخصوصاً امریکا در افغانستان) بزودی موفق شدند بر نقاط حساس شهر تسلط یابند و گروه های مخالفین را به عقب رانند و قراریکه امروز در رسانه ها پخش شد، شهر از موجودیت مخالفان پاکسازی شده است، ولی این فاجعه بزرگ چنان اثر عمیق بر روحیه مردم گذاشته که تا هنوز شهر خالی، دکانها مسدود و مردم درحال دلهره و پریشانی بسر می برند. حمله بر شهر کندز در حوالی صبح زود روز دوشنبه گذشته قبلاً قابل پیشبینی بود، زیرا یک تعداد از محلات و ولسوالی های اطراف آن از مدتی زیر نفوذ طالبان قرار داشتند. اینکه چرا قوای امنیتی دولت با وجود آمادگی قبلی نتوانستند، جلوحمله طالبان را بگیرند، سوالیست که هنوز هم جواب قناعت بخش به آن ارائه نشده است.

طالبان و گروه های همکار محلی شان که آنها را در این حمله و در ورود به شهر کمک و یاری کردند، توانستند بسرعت به نقاط حساس شهر دست یابند و فوری به منازل افراد سرشناس و مورد نظر خود هجوم برده و نیز تعدادی را که به گمان اغلب قبلاً در نظر داشتند، دستگیر و بطور دسته جمعی و فجیع به شهادت برسانند. اینکه آنها از بعضی ذخائر سلاح دولتی چه مقدار اسلحه و مهمات را بدست آوردند، هنوز معلومات دقیق در دست نیست و نیز از تاراج مغازه ها، صرافای ها و بعضی از شعب بانک ها، بخصوص چند طلا فروشی آن شهر چه اندازه پول نقد و اشیای قیمتی را با خود برده اند، سخن ها زیاد است. از همه مهمتر موضوع حمله هوایی بوسیله قوای امریکائی بر یک شفاخانه "داکتران بدون سرحد" که در حال تداوی زخمی های بودند، تلفاتی را بار آورد که از جمله چند داکتر افغان و همکاران اداری و مسلکی آن شفاخانه، با تعدادی از مریضان در این حادثه جانگداز شهید شدند. هنوز علت این عمل که برطبق فیصله کنوانسیون های بین المللی مغایر به اصول جنگی و یک نوع جنایت بشری تلقی میگردد، دقیقاً معلوم نیست و گفته میشود که تحقیقات از جانب مقامات رسمی امریکائی و افغان در زمینه شروع شده است که دیده شود نتایج این تحقیقات چه خواهد بود. امید است که مثل سائر حالات نتیجه بدست فراموشی سپرده نشود!

بهرحال اوضاع جاری کشور به دلایل مختلف رو به بحران میرود و دلایل آن نه تنها ناشی از نواقصی است که از ایجاد "دو پادشاه در یک اقلیم" به وجود آمده است، بلکه بیشتر ناشی از میراث شوم اداره قبلی حامد کرزی و حواریون او بوده که در ظرف 13 سال گذشته نتوانستند بنیاد امنیت و ثبات را در کشور استحکام بخشند و اداره مصلحتی و تا گلو فرو رفته در فساد شان اکنون زمینه های بی ثباتی و نا امنی را تشدید کرده است. دولتمردان دوره سیاه کرزی در این روزها در رسانه ها حضور بهم میرسانند و از ضعف اداره موجود انتقاد میکنند، بدون آنکه سر به یخه ای خود فرو برند و وجدان خود را قاضی سازند که خود شان در طی سیزده سال گذشته چه گل هایی را به آب داده اند.

در این دو هفته در برنامه "بحث آزاد" که با حضور بعضی از هموطنان اعم از زن و مرد بطور داوطلب از تلویزیون ملی پخش و به سؤال و جواب بین مدعوین و حضار پرداخته میشود، شخصیت های کلیدی دوره گذشته از جمله داکتر رنگین سینتا (سابق مشاور امنیت ملی و وزیر خارجه)، کریم خلیلی (معاون دوم رئیس جمهور در دوره حامد کرزی)، انور الحق احدی (سابق وزیر تجارت، وزیر مالیه و رئیس د افغانستان بانک)، محمد محقق (سابق عضو ولسی جرگه و اکنون معاون دوم داکتر عبدالله رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی) و خانم ناهید فرید (عضو ولسی جرگه) اشتراک نموده و هر یک به سوالات حضار طوری پاسخ میدادند که گویا دوره قبلی بسیار بهتر از دوره موجود بوده و به اجرات آن دوره که خود شان در قدرت بودند، با پرونی زر افشانی میکردند. دلیلی که چرا به این گروه به اصطلاح "چهار کلاه" در دو هفته در این برنامه که بیننده زیاد دارد و با همکاری تلویزیون ملی و بی بی سی از جانب داؤد جنبش

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

پیشبرده میشود، بطور پیهم موقع داده میشود، دلیلی دیگر نخواهد بود، جز آنکه آنها میخواهند با انتقادات بر وضع جاری و دفاع از دوره قبلی جای یک "اپوزیسیون" را به رهبری حامد کرزی باز کنند و مردم را با این حرافی ها به شکلی بسوی خود اغوا نمایند. مردم باید بدانند که به گفته بزرگان: «آزموده را باز آزمودن خطاست!» مردم باید از خود صادقانه پرسند که در سیزده سال گذشته که در تاریخ کشور از هر حیث بیک "دوره طلایی" بود، آنها چه کردند و دست آورد های روزبدرتر شان که نتایج آن اکنون در وضع جاری برملا میگردد، چه بوده است، که اکنون میخواهند بار دیگر به صحنه قدرت به شکل دیگر تبارز نمایند؟

بهر صورت بر میگردد به وضع کنذ و اینکه چرا این ولایت و بخصوص شهر کنذ از آغاز جهاد تا امروز ولایت کلیدی و شهرکنذ به حیث یک مرکز مهم استراتژیک در شمال کشور از اهمیت بسزا برخوردار بوده و چرا برای تسلط به این ولایت و شهر آن طالبان و قوت های وابسته با آنها (اعم از خارجی و داخلی) چه در گذشته و چه در حال و آینده چشم دوخته و برای اشغال آن تلاش می ورزند، سئوالیست که جواب آنرا یک هموطن گرامی آقای ایوب آروین طی یک مقاله پرمحتوا با قلم توانا و درک عمیق خود از موضوع به رشته تحریر درآورده و دیروز (مورخ 5 اکتوبر 2015) در سایت فارسی بی بی سی تحت عنوان "حضور طالبان در شمال افغانستان؛ اهمیت استراتژیک قندوز" به نشر رسانیده است.

نظر به اهمیت و دقت در تحلیل موضوع خواستم، این مقاله مهم را از آن سایت کاپی کرده و خدمت خوانندگان این پورتال وزین تقدیم دارم، البته با یک تغییر که نویسنده مقاله بر طبق مقررات بی بی سی ناگزیر بوده تا از نظر استعمال کلمات شیوه معمول آنجا را که مخلوطی از دری و فارسی است، رعایت کند و اما من این جسارت را کرده و با معذرت چند کلمه آنرا به شیوه معمول دری تعویض و نیز "قندوز" را به "کنذ"، طوریکه در مطبوعات کشور بیشتر مروج است، تبدیل نموده ام. امید است نویسنده محترم مقاله از این تغییر کوچک بر من خرده نگیرند. اینک متن مقاله خدمت تقدیم میگردد:

حضور طالبان در شمال افغانستان؛ اهمیت استراتژیک کنذ

ایوب آروین - بی بی سی

• 5 اکتبر 2015 - 13 میزان 1394

سقوط شهر کنذ به دست گروه طالبان و ادامه حضور این گروه در این شهر نشان داد که وضعیت این شهر با سایر شهرهای شمال افغانستان برای طالبان بسیار متفاوت است.

تحلیلگران کنذ را برای گروه طالبان "کلید شمال افغانستان" می خوانند. حمله اخیر این گروه به شهر کنذ نشان داد که این گروه واقعاً چنین نگاهی به کنذ دارد. در سال ۱۳۷۶ که طالبان به شمال دست یافتند، کنذ را به پایگاه مستحکم خود تبدیل کردند. در خزان ۱۳۸۰ آخرین شهر شمالی که طالبان آن را ترک کردند، کنذ بود.

کنذ برای طالبان جاذبه های استراتژیک بسیاری دارد که از آن می توانند برای رسیدن به اهداف کوتاه مدت و درازمدت خود از آن ها استفاده کنند، چنانکه در حمله اخیر خود به شهر کنذ از آن ها به خوبی استفاده کردند. برای این گروه اهمیت استراتژیک کنذ بیشتر در موقعیت جغرافیایی و وضعیت اجتماعی آن است.

موقعیت جغرافیایی

ولایت کنذ در شمال شرقی افغانستان، با ولایت های تخار در شرق، بغلان در جنوب و سمنگان و بلخ در غرب همجوار است. در شمال کنذ کشور تاجیکستان است که رود آمو خط سرحدی آن را تشکیل می دهد. بندر تجارتي شیرخان، دومین بندر مهم شمال افغانستان هم در شمال کنذ واقع شده است.

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

کندز از سال‌های شصت خورشیدی تا سال‌های اخیر مرکز زون (منطقه) شمال شرق افغانستان بوده که شامل ولایت‌های بدخشان، تخار، کندز و بغلان می‌شود. در حال حاضر هم در برخی موارد این شهر مرکز این چهار ولایت محسوب می‌شود. این امر بیانگر موقعیت برتر کندز در این منطقه است.

اگر طالبان بتوانند بر ولایت کندز مسلط شوند - که این بار نتوانستند -، این امر به معنای آن است که این گروه می‌تواند نفوذش را در گام نخست در دو ولایت همجوار بغلان و تخار گسترش دهد و در گام بعدی مواضع خود را در ولایت‌های بدخشان و بلخ و در گام سوم در ولایت‌های سمنگان، جوزجان، سرپل و فاریاب و سراسر شمال تقویت کند.

چنانکه در پی تصرف شهر کندز، طرفداران طالبان در ولسوالی "بغلان مرکزی" و "تاله و برفک" ولایت بغلان شوریدند، در ولسوالی "خواجه غار" ولایت تخار پیشروی کردند و ولسوالی کوهستانات را در ولایت سرپل و ولسوالی‌های بهارک و وردوج در ولایت بدخشان به موفقیت‌هایی دست یافتند.

به باور امین‌الله حبیبی کارشناس مسائل نظامی، هدف طالبان و گروه‌های همسو با آن محدود به شمال افغانستان نمی‌شود، بلکه هدف بعدی آن‌ها نفوذ در کشورهای آسیای میانه و قفقاز است. جنگجویان خارجی از جمله اعضای جنبش اسلامی ازبکستان برای رسیدن به چنین هدفی در کنار طالبان در کندز می‌جنگند.

وضعیت اجتماعی

ولایت کندز بیش از ۹۹۰ هزار نفر جمعیت دارد - ۷۴۰ هزار روستایی، ۲۵۰ هزار شهری (مرکز احصائیه). ۷۰ درصد مردم کندز در زراعت و مالداری و بقیه در کار تجاری و حرفه‌های دیگر مشغولند. اندازه باسوادی در قندوز ۲۲ درصد است و تنها ۱۸ درصد مردم از نیروی برق برخوردارند.

درباره ترکیب قومی جمعیت کندز احصائیه دقیقی در دست نیست. در دو ولسوالی شمالی و غربی "قلعه زال" و "امام صاحب" عمدتاً ترکمن‌ها و ازبک‌ها هستند. در شهر کندز و سه ولسوالی شرقی و جنوبی - دشت ارچی، چاردره و خان‌آباد - پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها و سایر اقوام به صورت مختلط حضور دارند.

جامعه روستایی، زارع و مالدار و بیشتر بی‌سواد، هدف خوبی برای سربازگیری طالبان است. عبدالودود پیمان نماینده کندز در پارلمان می‌گوید این گروه از پیوند قومی خود با پشتون‌ها استفاده می‌کند و در سال‌های اخیر توانسته که با تبلیغات مذهبی از میان ازبک‌ها و تاجیک‌ها هم سربازگیری کند.

افزایش مدارس دینی بخصوص گسترش گرایش‌های افراطی در آن‌ها، به توسعه نفوذ طالبان کمک کرده است. شفیق‌الله صمیم معاون وزارت معارف گفت که این وزارت ۴۰ مدرسه در کندز دارد و ده‌ها مدرسه غیررسمی هم در آن جا فعالند. داعی‌الحق عابد معاون وزارت حج و اوقاف گفت که از ۱۵۴۲ مدرسه وابسته به این وزارت، ۳۰۰ مدرسه آن تنها در کندز فعالند.

اخیراً انستیتوت مطالعات استراتژیک با بررسی مدارس غیررسمی ده ولایت افغانستان، در گزارشی نوشت که ۳۰ درصد طلبه و مدرسان چنین مدارس در کندز از حملات انتحاری تحت شرایط خاصی حمایت می‌کنند. بی‌بی‌سی در حوت ۱۳۹۲ دریافت که محتوای درس‌های یک مدرسه دینی دخترانه در کندز "تندروانه و آمیخته با سیاست است".

به طور کلی، طالبان (۱) جوانان زیر ۲۰ سال، (۲) افراد بیکار و ناراضی از دولت و (۳) عده‌ای دیگر را به زور برای جنگیدن استخدام می‌کنند. براساس تخمین‌ها، طالبان تا پیش از جنگ اخیر توانست که حدود هزار نفر را در کندز در خدمت داشته باشد - حدود نهمصد نفر شبه نظامی و حدود صد نفر سرگروه و فرمانده.

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

وضعیت اجتماعی نسبتاً متفاوت کندز نه تنها زمینه خوب سربازگیری را فراهم کرده، بلکه حمایت اجتماعی مناسبی را برای گروه طالبان فراهم کرده و به نظر می رسد که یکی از دلایل اصلی دلگرمی این گروه به کندز هم با همین موضوع مرتبط باشد.

تمرکز بر قندوز

طالبان از سال ۱۳۸۶ توجه خود را بر کندز متمرکز کرد و از سنبله ۱۳۸۸ در پی حمله ناتو به دو لاری تانکر تیل، حضور طالبان در کندز رسانه ای شد. پس از آن کندز بارها شاهد حملات طالبان بر حدود سه هزار سرباز ناتو و صدها سرباز و مامور امنیتی افغان بود.

از سال گذشته با خروج نیروهای بین‌المللی از کندز، طالبان حملات خود را بر دو ولسوالی دشت ارچی و چهاردره در شمال شرق و جنوب غرب شهر کندز شدت بخشیدند. در حمل امسال طالبان توانستند که هر دو ولسوالی را تصرف کنند، اما دشت ارچی را تا حال به دست دارند و آن را به پایگاه اصلی خود تبدیل کرده‌اند.

از بهار امسال طالبان نیروی خود را بر تصرف شهر کندز، مرکز ولایت کندز متمرکز کردند. آن‌ها با استفاده از عدم اجرای عملیات نیروهای دولتی، در پی تدارک حمله گسترده به شهر شدند. طالبان دوشنبه گذشته (۶ میزان)، علی‌رغم برتری نیروهای دولتی، این شهر را گرفتند و نیروهای دولتی به سوی میدان هوایی در جنوب شرق شهر عقب‌نشینی کردند.

با تصرف شهر کندز، طالبان به شماری از اهداف خود رسیدند، از جمله تخریب نظام دولتی، دستیابی به ذخایر سلاح نیروهای امنیتی و نمایش قدرت در شمال. این گروه می‌خواست نشان دهد که دولت توانایی دفاع از شهرها را ندارد تا اعتماد مردم به دولت کاهش یابد.

هدف عمده دیگر گروه طالبان استفاده تبلیغاتی از تصرف شهر کندز بود. همانگونه که جنرال مرادعلی مراد معاون رئیس قوای مسلح در کندز گفت، این گروه می‌خواست ملا اختر منصور رهبر خود را برای استفاده بیشتر تبلیغاتی به این شهر بیاورد، اما این فرصت برای آن میسر نشد.

آقای حبیبی معتقد است که هدف دراز مدت گروه طالبان تحکیم پایه‌های قدرت خود به پشتیبانی حامیان منطقه‌ای‌اش و به قیمت ایجاد تفرقه و مخدوش کردن وحدت ملی در کندز و شمال کشور است. او تأکید می‌کند که این وظیفه دولت افغانستان است که مانع تحقق این هدف گروه طالبان شود.

با این حال، در پی سقوط شهر کندز به دست طالبان نگرانی‌های گسترده‌ای که در سراسر افغانستان ابراز شد، بیانگر آن است که اهمیت استراتژیک این شهر بیشتر از یک شهر معمولی است. تسلط طالبان بر این شهر حاکمیت دولتی را نه تنها در کندز بلکه در سراسر شمال کشور می‌تواند به مشکل مواجه کند. هشدارهایی که به دولت داده شده هم در ارتباط بر همین موضوع است. (پایان مقاله)

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې ښي پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ